جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | داریوش ارجمند (بازیگر) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینماتوگراف ۲

تنها ژانر اریژینال در تاریخ سینمای ایران

سعید مستغاثی

بخش بیست‌ونه

مهم‌تریـــن رویدادی که پس از انقلاب، جامعه ایران را در همه ابعاد تحت‌الشـــعاع خود قرار داد، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود و بالطبع می‌بایســـت عرصه‌های فرهنگ و هنر از جمله سینما را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد. چون شنیده و خوانده بودیم که طی جنگ‌های اول و دوم جهانی چگونه سینمای کشورهای درگیر جنگ و یا حتی در حاشیه آن، به تولید فیلم‌های جنگی اختصاص یافت. فیلم‌هایی که بسیاری از آنها را دیده و در ذهن سینمایی ما ماندگار شده است.

بنابراین طبیعی بود که به دلیل عدم تجربه در ســـینمای جنگ، الگوهای ســـینمای غرب و یا ســـینمای شوروی ســـابق در ساخت فیلم‌های جنگی مدنظر قرار گیرد و نخستین فیلم‌های از این دست که در سال‌های نخستین جنگ تحمیلی تولید شدند، ملغمه‌ای از این دو الگو بودند.

«مرز» (جمشید حیدری) و «برزخی‌ها» (ایرج قادری) نخستین این فیلم‌ها بودند که برداشت نعل به نعل از فیلم‌های مشـــابه غربی در حادثه‌پردازی و قهرمان‌پروری را به روی پرده بردند و با توجه به احساسات میهن‌پرستانه غالب بر جامعه در ابتدای جنگ، اکران عمومی موفقی هم داشتند.

باب این دسته فیلم‌های جنگی همچنان در سینمای ایران مفتوح ماند، با توجه به این نکته که به‌تدریج مایه‌های اعتقادی و ایدئولوژیک نیز به آنها اضافه شد. ولی به هرحال فرم حادثه‌پردازانه و قهرمان‌گرایانه وجه مشخص و ساختار اصلی این فیلم‌ها را تشکیل می‌داد.

«عقاب‌ها» (ساموئل خاچیکیان)، «پایگاه جهنمی» (اکبر صادقی)،«پوتین» (عبدالله باکیده)، «۷ گذرگاه» و «حماسه قهرمانان» (هر دو از جمشید حیدری)، «اشک کوسه» (حمیدرضا آشتیانی)، «رقص مرگ» و «پاتک» (علی اصغر شادروان)، «هدف سخت» (هوشنگ درویش‌پور)، «یورش» (محسن محسنی‌نسب)،«شمارش معکوس» (اکبر حر)، «گارد ویژه» (پرویز صبری)، «ارابه مرگ» (رضا قهرمانی) و «فرار بزرگ» (ناصر محمدی) در سال‌های بعد از جمله این‌گونه فیلم‌ها بودند.

ویژگی‌های سینمای دفاع مقدس

اما در کنار این دسته فیلم‌های سینما جنگ، آثاری درباره جنگ تحمیلی جلوی دوربین رفتند که به جای حادثه‌پردازی و تاکید بر درگیری‌های فیزیکی، به روحیات ویژه رزمندگان ایرانی پرداخته و بر اســـاس فرهنگ اعتقادی و معنویات خاص جبهه‌ها، فضائی ویژه به‌وجود می‌آوردند که با آن سینمای جنگ رایج، اختلاف فاحش داشت، همانند تفاوت اساسی جهاد آرمانی رزمندگان ایرانی با سربازان مزد بگیر خارجی. از همین روی به حق نام «سینمای دفاع مقدس» را به خود گرفت.

فیلمسازانی که این‌گونه سینمای جنگ را در کادر دوربین‌هایشان قرار دادند، تلاش داشتند با حداقل نمایش و یا در پرده نشان دادن درگیری‌های جنگ، به روحیات رزمندگان اسلام راه پیدا کنند. روحیاتی که بر اساس اعتقادات محکم قلبی ره به عوالم الهی و قدسی برده و فضائی زیبا از معنویـــت و ارتباطات معنوی خلق می‌نمود. به هرحال این ویژگی، امتیازی بود که رزم و دفاع مقدس و الهی سربازان سپاه اسلام نصیب سینماگران کرد و این فیلمسازان با ساختاری برگرفته از اکسپرسیونیسم آمیخته به رئالیسمی شاعرانه، این حالات را جلوی دوربین بردند.

دیـــار عاشـــقان (حســـن کاربخـــش)، کیلومتـــر پنـــج (حجت‌الله ســـیفی) و پیشتازان فتح (ناصر مهدی‌پور) نخستین تلاش‌ها در این مسیر بود. اگرچه تا حدودی خام دستانه و تجربی نشان می‌داد.

رســـول ملاقلی‌پور نیز با دو فیلم «سقای تشنه لب» و «تینوا» در اوایل دهه ۶۰، ســـعی نمود فضای معنوی این آثار را تقویت بخشد اما فیلم «پرواز در شب» او در سال ۱۳۶۵ نقطه عطفی به شمار آمد که برای اولین بار با نمایش تضاد و درگیری‌های درونی رزمندگان ایرانی و ابعاد مختلف روحیات آنها در ظرفیت‌های گوناگون، بعد جدیدی از مسائل مبتلابه این افراد را به تصویر کشید.

ابراهیم حاتمی‌کیا در «مهاجر» این ویژگی را در قالب هوشـــمندانه اســـتحاله یک هواپیمای شناســـایی بی‌موتور در باورهای هدایتگران آن، به نمایش گذارد و همه را در آن نمای پایانی که مهاجر، پلاک‌های رزمندگان شهید را بر دماغه خویش و میان ابرهای آسمان بی‌کران پرواز می‌دهد، مســـتتر ســـاخت که گویی این ارواح شهداست که در اوج آسمان در پرواز می‌باشند و یا در فیلم «دیده‌بان»، امدادهای غیبی و همراهی سمبلیک فرشتگان بر اساس آیات قرآنی را در باند صوتی سکانس تنهائی دیده‌بان در راه محل ماموریتش، وجهی سینمایی بخشید.

همچنین اســـت کاربرد بیان تصویری تفکر و باور «زنده بودن شهدا در طول زمان» در فیلم «ســـفر به چزابه» که رســـول ملاقلی‌پور آن را با استفاده از جریان سیال ذهن در ساختار روایتی و سینمایی اثرش گســـترانید.... و فیلم‌هایی همچون «انسان و اسلحه» (مجتبی راعی)، «عبور» (کمال تبریزی)، «تا مرز دیدار» (حســـین قاســـمی جامی) و «در جست‌وجوی قهرمان» (حمید رضا آشتیانی‌پور) در ادامه آن آثار و با همان حال و هوا ساخته شدند تا فصل دیگری در سینمای دفاع مقدس گشوده شود.

از رابطه بابا عقیل به واسطه فرزندش با فضای صمیمی جبهه در فیلم «هور در آتش» (عزیزالله حمیدنژاد) تا تصویری دیگر از امدادهای غیبی الهی در «تویی که نمی‌شناختمت» (محمد ابراهیم سلطانی‌فر) و تا تلاش برای ثبت تصویری رشادت‌ها و فداکاری‌های رزمندگان اسلام که در کادر کوچک دوربین نمی‌گنجید در «چشم شیشه‌ای» (حسین قاسمی جامی) نیز در همین راستای نمایش فرهنگ ویژه دفاع مقدس مردم ایران در کادر دوربین قرار گرفتند و فیلمســـازان جوان به‌خوبی توانستند برای به تصویر کشیدن این فرهنگ، تمهیدات تصویری مناسب و نو به کار ببرند.

قهرمانان در سینمای دفاع مقدس

گروهی دیگر از سینماگران دفاع مقدس سعی کردند این فضاهای عرفانی را با جذابیت‌های سینمای کلاسیک به گونه‌ای همراه کنند که نه حادثه‌پردازی صرف غالب شود و نه فیلم جنگی‌شان خالی از عناصر ویژه این سینما یعنی درگیری مسلحانه و تعقیب وگریز یا صحنه‌های نبرد شود.

نخســـتین اثر این سبک و سیاق، فیلم «گذرگاه» در سال ۱۳۶۵ ساخته شهریار بحرانی بود و «کانی مانگا» در ســـال ۱۳۶۶ به کارگردانی ســـیف‌الله داد دومین گام در ساخت آثار سینمایی دفاع مقدس محسوب شد که با تکنیک و ساختار سینمایی خاص فیلم‌های جنگی ساخته شد.

فیلم «افق» در سال ۱۳۶۸ به عنوان الگویی مطرح گردید که از سوی بنیاد سینمایی فارابی به عنوان رکن اصلی ســـینمای هدایتی/ حمایتی سال‌های دهه ۶۰، برای ساخت فیلم‌های دفاع مقدس ارائه شد. سینمایی که عناصر ویژه دفاع مقدس مردم ایران و فرهنگ خاص رزمندگان آن را با پارامترهای فیلم‌های جنگی/حادثه‌ای همراه تکنیک و ساختار قابل قبول درهم می‌آمیخت و از سال ۷۲ تقریبا وجه غالب سینمای دفاع مقدس گردید.

در همین زمینه فیلم‌هایی همچون: «آخرین شناسایی» (علی شاه حاتمی)، «سجاده آتش» (احمد مرادپور) و «حماسه مجنون» (جمال شورجه) کل سینمای دفاع مقدس را در اوائل دهه ۷۰ تحت تاثیر قرار دادند و نوعی سازگاری مابین درونمایه‌های ارزشی فیلم دفاع مقدس و جذابیت‌های تکنیکی فیلم‌های جنگی معمول برقرار ساختند.

در ادامه آنها آثاری همچون «حمله به اچ ۳» (شهریار بحرانی) و «دایره سرخ» (جمال شورجه) ســـاخته شدند و سبک مذکور را اعتلا بخشیدند. اما احمدرضا درویش با فیلم «کیمیا» (۱۳۷۳) و سپس«ســـرزمین خورشید» (۱۳۷۵) ســـینمای دفاع مقدس را پس زمینه ژانرهای دیگر قرار داد و این نوع سینما را در عرصه‌ای نوین آزمایش کرد که با فیلم «دوئل» (۱۳۸۲) ادامه یافت.

دو قسم دیگر از سینمای جنگ یعنی «کمدی» و «ضد جنگ» از سال ۷۴ و با دو فیلم «لیلی با من اســـت» و «نجات‌یافتگان» به ســـینمای دفاع مقدس راه یافت و اگرچه در ادامه نتوانست، آنچنان که شایسته دفاع مقدس مردم ایران بود، ادامه یابد، اما به هر حال در تجربه‌های نخست خود، چندان غیرقابل قبول نبودند.

حکایت ناگفته‌های جنگ و نمایش آنچه در ســـال‌های جنگ و اوایل دوران پس از آن نوعی «تابو» به حساب می‌آمد در اواخر دهه ۷۰ و اوائل دهه ۸۰، در سینمای دفاع مقدس مطرح گردید؛ فیلم‌هایی مانند: «هیوا» (رسول ملاقلی‌پور)، «پرواز خاموش» (حسن برزیده)، «قارچ سمی» (رسول ملاقلی‌پور)، «مرزی برای زندگی» (رضا اعظمیان)، «مزرعه پدری» (رسول ملاقلی‌پور) و... همگی از جمله این نوع آثار از ناگفته‌های دفاع مقدس به شمار رفتند.

گفت‌وگو با مهدی حیدری رئیس اولین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی

اتحاد اقوام ایرانی به روایت سینـــما

تصویر روز -

فعالیـــت دبیرخانه نخســـتین دوره جشنواره فیلم اقوام، اردیبهشت امسال کلیـــد خورد. این جشـــنواره ۲۶ تا ۳۰ اردیبهشت سال آینده در تهران برگزار خواهد شد.

درباره چنـــد و چون این رویداد که قرار اســـت از دوره آینده نیز به صورت بین‌المللی برگزار شـــود با دکتر مهدی حیدری، فیلمســـاز و مدیر فرهنگی به گفت‌وگو پرداختیم.

عملکرد سینمای ایران را در زمینه اقوام چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظرتان ســـینمای ایران دین خودش را به اقوام عزیز ایرانی ادا کرده است؟

چرا اقوام؟ چرا درباره موضوع دیگری، جشنواره راه نینداختید؟

درباره اقوام، اتفاقـــات مختلفی رخ داده اســـت؛ مثل جشـــنواره‌های لباس و غذا و... اما در حوزه ســـینما تا به حال جشـــنواره یا رویدادی برگزار نشـــده اســـت و جای چنین جشـــنواره‌ای خالی بود. من حدود دو ســـال در سیســـتان و بلوچستان زندگی می‌کردم و یک دوره جشنواره فیلم کوتاه تیاب را هم در چابهار برگزار کردم. به عنوان یک ســـینماگر می‌دیدم یک فیلمساز بلوچ که فیلمی ساخته و می‌خواهـــد کارش دیده شـــود دنبال یک جشـــنواره تخصصی در حوزه اقوام اســـت تا فیلمـــش در آن به نمایـــش درآید اما چنین جشـــنواره‌ای وجود نداشت. تصمیم گرفتیم جشـــنواره‌ای بـــا تمرکز بر ایـــن قبیل آثار و فیلمسازان برگزار کنیم که تا هم آثار دیده شود و هم کارگاه‌ها و پژوهش‌هایی با این موضوع صورت بگیرد و نشـــان دهیـــم که اقوام عزیز کشورمان، همه زیر یک پرچم متحد هستند. شعار جشنواره ما هم این تعیین شد: «اقوام، ریشـــه ایران زمین» که این شعار، ان‌شاءالله ماندگار خواهد بود.

سینمای ما به دلیل تهران‌زدگی، متأسفانه از شهرستان‌ها فاصله گرفته است. چند ماه قبل در جلســـه‌ای با آقای خزاعی (رئیس سازمان سینمایی) گفتم که موقع صدور پروانه ساخت برای آثار، حمایتی هم در جهت اینکه بخشی از آن فیلم‌ها در شـــهرها و استان‌های دیگری غیر از تهران جلوی دوربین برود تعیین شود و در این صورت به نتایج خوبی خواهیم رســـید. در دورانی، فیلم‌های بومی زیبایی در سینمای ما تولید می‌شـــدند که اتفاقا در سطح جهانی هم خوش می‌درخشـــیدند؛ خاطره آن فیلم‌ها از حافظه سینمای ایران پاک‌شدنی نیست، اما دو ســـه دهه‌ای است که این‌گونه آثار کمرنگ شده‌اند و رویدادهای سینمایی هم در استان‌ها و بین اقوام، کمتر برگزار می‌شود.

بین آثار رســـیده به اولین جشنواره فیلم اقوام، بیشـــتر از کدام قوم‌ها فیلم رسیده؟

از تمـــام اقوام عزیز ایرانـــی فیلم‌هایی به این جشـــنواره رسیده است. از کردها، بلوچ‌ها، عرب‌هـــا، ترکمن‌ها، لرها، ترک‌ها، شـــمالی‌ها و... همـــه اقلیم‌ها و جغرافیـــای ایران در این جشـــنواره حضور دارند و این نشـــان می‌دهد که این جشنواره توسط فیلمسازان تمام اقوام به‌خوبی دیده شده است و آنها به این جشنواره اعتماد کرده‌اند.

درباره انتخاب آقای کمال تبریزی به عنوان دبیر جشنواره توضیح دهید.

ما در انتخـــاب دبیر، حساســـیت بالایی داشـــتیم تا فردی باشد که از هر نظر بتواند با جشنواره همراه باشد. آقای کمال تبریزی هم مورد احترام ســـینماگران و هنرمندان است، هم مقبولیت عموم دارند و البته ایشـــان هم متعلق بـــه یکی از اقوام (آذری) اســـت. فیلم «مارمولک» ایشان و بسیاری دیگر از سریال‌ها و فیلم‌هایشان بارها و بارها دیده شده و مخاطب به آن علاقه‌مند است.

جشنواره اقوام چه بخش‌هایی دارد؟

آثـــار در بخش‌های داســـتانی، مســـتند، پویانمایی، نماهنـــگ و فیلمنامه با هم رقابت می‌کنند. بخش داســـتانی هم بـــه دو بخش داســـتانی کوتاه و بلند تقسیم می‌شود. بعد از حوادث غزه و به احترام مردم عزیز فلسطین، بخـــش ویژه غـــزه را هم به جشـــنواره اضافه کردیم و جایزه ویـــژه‌ای هم به بهترین اثر در این بخش اعطا خواهد شـــد. حـــدود هزار اثر به جشنواره رسیده که هیئت انتخاب درحال بررسی آن‌هاست.

کیفیت آثار در چه حدی است؟

فیلم‌ها در رده‌های مختلف هســـتند. هم از فیلمسازان حرفه‌ای آثاری به این جشنواره ارســـال شده و هم فیلمســـازانی که در دیگر جشنواره‌های حضور نیافته‌اند اما به جشنواره اقوام اعتماد کرده‌اند و آثارشـــان را اولین‌بار به این جشـــنواره ارائه کرده‌اند. البته باید منتظر جمع‌بندی نهائی هیئت انتخاب هم باشیم.

چه برنامه‌هایی بـــرای مرحله نهائی جشنواره که اردیبهشت برگزار خواهد شد، دارید؟

برنامه ما این است که آثار برگزیده، در بنیاد ایران‌شناســـی به نمایش درآید. تلاش ما این است که جشنواره اقوام، هم در ظاهر و ساختار و هم در محتوا، استاندارد و زیبا باشد. در کنار نمایش آثار، کارگاه‌ها و برنامه‌های جنبی هم داریم. برنامه این است که جشنواره‌ای برگزار شود که هم رویدادی تخصصی در حوزه سینما و اقوام باشد و هم موجب نشاط و شادی شود.

برای دوره بعدی هم برنامه دارید؟

بله جشنواره اقوام ان‌شاءالله به طور سالانه برگزار خواهد شد. برای دوره بعدی برنامه داریم که این جشنواره بین‌المللی شود و کشورهای حوزه تمدنی ایران هم در آن شرکت کنند.

بچه زرنگ چگونه به پدیده سال سینمای ایران تبدیل شد؟

آرش فهیم

پویانمایی «بچه زرنگ» از ۵ مهر امسال روی پرده سینماها رفت و با ثبت رکورد ۶۵ میلیاردی، به پرمخاطب‌ترین انیمیشـــن و پرفروش‌ترین فیلم کودک در سینمای ایران تبدیل شد. این تولید ایرانی به‌زودی در برخی کشورهای جهان هم به نمایش درخواهد آمد.

ســـاخت پویانمایی یا همان انیمیشن طی ۲۰ ســـال اخیـــر در ایران پیشـــرفت چشمگیری داشته اســـت. این تولیدات با کارتون‌های کوتـــاه راهنمایی و رانندگی با محوریت شخصیت داداش سیا شروع شد و بـــا «تهران ۱۵۰۰» و چند کارتون دیگر رو به رشـــد بود. اما با ورود تعدادی از جوانان هنرمنـــد که گروهی به نـــام «هنر پویا» را تشکیل دادند، این پیشرفت سرعت بیشتری پیدا کرد. آنها با آثاری مثل «شاهزاده روم» و «فیلشاه» اســـتعداد خود را برملا کردند. «بچه زرنگ» جدیدترین کار این گروه است که کارگردانی آن هم به طور جمعی توسط هادی محمدیان، محمدجواد جنتی و بهنود نوکویی انجام شده است.

موفقیت «بچه زرنگ» دلایل مختلفی دارد که یکی از ایـــن دلایل، قهرمان‌محور بودن اســـت. یعنی شـــخصیت اصلی این کارتون، دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند مخاطب کـــودک و نوجـــوان را با خودش همراه کند.

کارتون‌هـــا هم مثل فیلم‌ها در ژانرهای مختلفی قابل تقســـیم‌بندی هستند. «بچه زرنگ» در ژانر ماجراجویی قرار دارد. چون داستان این انیمیشن درباره ماجراجویی‌های قهرمانش در دنیایی فانتزی است.

«بچـــه زرنگ» ماجرای پســـری به نام محســـن اســـت که در دنیای کودکانه‌اش خود را یک ابرقهرمان فرض می‌کند. یعنی در بازی‌هایـــش خیـــال می‌کند که قدرتی فراتر از یک انسان معمولی دارد و به نجات دیگران مشغول است؛ درست مثل سوپرمن! اما اتفاقاتی باعث می‌شـــود تا محســـن در جنگل‌های شمال کشور گم بشود و این‌بار در دنیـــای واقعی، ببر مازندران را از شـــر شکارچی‌های غیرقانونی نجات می‌دهد. اما آنجا متوجه می‌شـــود که نمی‌توان با ژست ســـوپرمن بودن کاری از پیش ببرد باید در کنار شـــجاعت از عقل و خرد خودش هم استفاده کند.

«بچه زرنگ» علاوه‌بر این داســـتان پر و پیمـــان و اینکه از اول تـــا آخر، حوادثی پی‌درپی برای قهرمان (محسن) و دوستانش پیش می‌آید، از گرافیک و طراحی خوبی هم برخوردار است. این برای جذابیت و ارتباط یک أثر پویانمایی بـــا مخاطب خیلی مهم اســـت که تصویرهای زیبایی داشته باشد و شـــکل و شمایل آدم‌ها و حیوانات و اجسام و طبیعت، چشـــم‌نواز باشند. اتفاق مهمی که برای «بچه زرنگ» هم رخ داده اســـت. ضرباهنگ این پویانمایی هم با حس و حال کـــودکان و نوجوانان تناســـب دارد، یعنی سرعت حرکت تصاویر و داستان، بالا و سریع است و به اصطلاح، ریتم آن بالاست و همین هم موجب هیجان‌انگیز شدن آن شده است. رنگ‌های روشن و پرنشـــاط نیز در فضای گرافیکی ایـــن کارتون جلوه‌گری می‌کنند. رنگ‌های پرنشاطی مثل سبز و زرد و سرخ، که معمولا توجه بچه‌ها را برمی‌انگیزند و در این اثر زیاد به چشم می‌خورند.

اتفاق مهـــم دیگر در «بچه زرنگ» این است که عنصر فانتزی در آن پررنگ است. یعنی موضوع و داستان آن، به معنی واقعی ویژه ساخت انیمیشن است و چنین داستانی را هیچ‌گاه نمی‌توان در قالب فیلم سینمایی ســـاخت. فانتزی در «بچه زرنگ» از طریق شبیه‌ســـازی حیوانات به انســـان‌ها صورت گرفته است. یعنی حیوانات در این کارتون، مثل آدم‌ها دارای شخصیت هستند و سخن می‌گویند و می‌خندند و ناراحت می‌شوند و عاطفه دارند.

با آثاری چون «بچه زرنگ» و قبل از آن، «پسر دلفینی»، «لوپتو» و... حالا ایران دارای یک صنعت تولید پویانمایی قدرتمند است. اگر روی قصه این کارتون‌ها بیشتر کار شود، قطعا تماشایی‌تر هم خواهند شد.

نگاهی به سریال «شریک جرم»

تجارت جنســـی و غفلت دختـــران!

شکوفه مظفری‌پور

قاچاق دختران معضلی زیرپوستی است که به گوش ما ناآشـــنا نیست اما یک‌گونه از جذب دخترانِ غافل و سوءاســـتفاده از آنها را مازیار میری، کارگردان ســـینما و تلویزیون در ســـریال «شـــریک جرم» به تصویر کشیده است.

امیر عربی نویسنده «شریک جرم» قصه را با موضوع طلاق ندا و محســـن با بازی المیرا دهقانی و سجاد بابایی در دفتر یک خانم وکیل آغاز می‌کند. محسن می‌پندارد همسرش به دلیل تصمیم به ازدواج با یکی از آشنایان خانوادگی قصد جدایی از او را دارد و پـــس از یک جدال لفظی در همان دفتر وکالت با شلیک گلوله ابتدا همسرش ســـپس خودش را به قتل می‌رساند. خانم وکیل در پاســـخ به پرســـش‌های پلیس مجبور به نقل جدال انجام شده بین قاتل و مقتول می‌شـــود اما خانواده ندا به دلیل ناراحت بودن از خدشه‌دار شدن آبرویشان تصمیم به ابطال پروانه وکالت خانم وکیل می‌گیرند.

سارا بهرامی که با نقش میترا مشیریان نقش این وکیل را بازی می‌کند، برای اثبات جدالی که بین زوجین اتفاق افتاده مجبور به پیگیری و کشف حقیقت در خیانتکار بودن یا نبودن ندا می‌شود.

او بـــا کاوش در ارتباطـــات ندا به یک شرکت تجارت دختران می‌رسد که فقط با حضور معرف می‌توان در آنجا حاضر شد. در این شرکت از دختران جوان و زیبا دعوت می‌شود که با لباس‌های عریان و مجلسی عکس‌هایی از آنها تهیه و برای شروع کار آماده شوند.

این گـــروه قاچاق دختـــران با وصف آزادی و ثروت‌هـــای دهان پُرکن دام خود را برای دختران به بهانه شغل مهمانداری در مهمانی‌های مختلط در ترکیه، ارمنستان و گرجســـتان پهن می‌کننـــد و دختران می‌پندارند این یک شـــغل معمولی است و اگر هم برگزاری این مهمانی‌ها با سلیقه و سبک زندگی‌شان سازگار نبود بی‌میلی خـــود را با انصـــراف از همکاری نشـــان خواهند داد.

اما ایـــن خیال باطل، دختـــران را به منجلابی سوق داده که هیچ راه برگشتی برای آنها وجود نـــدارد. با اطلاعات کامل و درســـتی که از ابتدا در استخدام‌شان به همراه عکس‌های خصوصی‌شـــان ثبت و ضبط شـــده، از ابتدا با اهرم این عکس‌ها و تهدیـــد به پخش آنها مجبـــور به ادامه مسیر بی‌بازگشت خواهند بود، سپس آنها با دریافت ارز از شرکت کذایی برای تهیه لباس‌هایشـــان در مهمانی‌ها حضور پیدا می‌کنند.

پس از ظاهرا مهمانداری از آن مهمانان خاص و مشخصا آقازاده‌ها، دختران جوان که از قبل از طریق عکس‌هایشـــان مورد انتخـــاب آقایان قـــرار گرفته‌اند دعوت به خلوتگاه شوم می‌شوند.

در این حریم ناامن راهی برای گریختن، حداقل در شب اول نیست و آنها تسلیم به انجام خواسته‌های هوسرانان می‌شوند اما اگر بعد از آن شب بخت با کسی یار باشد و توان گریختن از چنگال شیاطین را بیابد بالاخره با تعقیب وگریز افراد آن شرکت که در ایران نمایندگی دارند، در اسرع وقت به گونه‌ای طبیعی مرگ او را رقم می‌زنند.

میترا مشـــیریان در مسیر این پرونده متوجه می‌شود این شرکت تجارت دختران بـــرای انجام امور مالـــی و بانکی از هویت افراد بی‌خانمان سوءاستفاده می‌کنند. در نهایت او به بی‌گناهی ندا و فریب خوردن محسن پی می‌برد اما این سوژه ملتهب و خوش‌ساخت که تا پایان مخاطب را با خود همراه می‌کند به یکباره در قسمت هشتم بدون پایان‌بندی کامل تمام می‌شود. حضور کمرنگ پلیس در این سریال نیز یکی دیگر از ضعف‌هایی است که از نگاه بیننده پنهان نمی‌ماند.

پرداختـــن بـــه چنیـــن ســـوژه‌های هشـــداردهنده و آموزنده چـــه در قالب سریال یا فیلم یکی از مهم‌ترین‌هایی است که باید مورد توجه بیشـــتر فیلمسازان و کارگردانان قرار بگیرد.

زنگ مجازی

گذر «ایـــران‌رود» از اینستاگرام

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

واژه «ایران رود» از جمله کلمه‌هایی اســـت که در فضای مجازی به صورت گســـترده در حال مطرح شـــدن است و صفحه‌های مختلف اینستاگرام، بخصوص صفحات متعلق به شبکه معاند«اینترنشـــنال» دائما از این ظرفیت مفهومی، بهره‌برداری می‌کنند تا علیه امید مردم و جامعه ایران حمله کنند. اما ماجرا چیست؟

خشکســـالی‌های چند ســـال اخیر و چالش کاهش آب خشـــک شـــدن دریاچه ارومیه و خشکی‌هامون و ماجراهای رودخانه هیرمند و حق‌آبه ایران از افغانستان و سدهای ضد اقلیمی و اکوسیســـتمی ترکیه، موضوعات به هم پیوسته‌ای هستند که نما و شمای کلی از آینده آبی ایران را در وضعیت بحرانی ترســـیم می‌کنند. مسلم است که برای رفع این مشکل بزرگ باید اقداماتی صورت بگیرد. طی ســـالیان گذشته که هر سال بر بحران آب، بخصوص در فصلهای گرم افزوده می‌شود؛ شاهد اعتراضات مختلفی در استان‌هایی مثل اصفهان و یزد و... بودیم که به‌ویژه کشاورزان، متضرر بزرگ این خشکسالی‌ها بودند و به دولت‌های وقت اعتراض داشتند کـــه حتما باید فکر عاجل و تاثیرگذاری برای ایـــن موضوع صورت بگیر، تا روند زندگی مردم شهرهای مرکزی دچار آسیب و اختلال نگردد.

در این میان حتی موضوع بعضی از کارخانه‌های بزرگ مثل صنایع پتروشیمی و ذوب آهن و مس نیز در این استانها برجسته شد که ارتباط مستقیم با میزان مصرف آب استان‌های یزد و اصفهان داشـــتند و خشکی و عدم جاری بودن آب «زاینده‌رود» هم عامل روانی و اجتماعی مضاعفی شده است که بحث کمبود آب، همواره در معرض توجه عموم قرار بگیرد و انتظارات از دولت کنونی را برای حل این مشکل افزایش بدهد.

توجه به اینکه حل این مشـــکل به جلسات بین‌المللی هم کشید و آقای رئیسی حتی در اجلاس سران «سازمان اکو» ترکمنستان خواستار همکاری این سازمان برای انتقال و واردات آب به ایران شـــد؛ اما این کلان بحران با نگاه به بیرون گویا قابل حل نیســـت و طرح‌های زیر ساختی و ملی مثل رساندن آب به «فلات مرکزی» می‌تواند چاره کار باشد.

گر چه حتی پیش از انقلاب اسلامی این موضوع و رساندن آب به فلات مرکزی محل بحث کارشناســـان داخلی و حتی بین‌المللی بوده؛ اما هر چه زمان به جلوتر آمده این احســـاس نیاز پررنگ‌تر شده و امروزتوسعه زیرساخت‌های صنعت آب در بخش‌های مختلف و در حوزه‌های آبریز کشـــور، اعم از ساخت سیل‌بندها و سدها، ایجاد خطوط انتقال، کانال‌ها و تصفیه‌خانه‌ها، شبکه‌های آبرسانی و شبکه‌های توزیع و همچنین متنوع‌سازی مسائل آبی در دستور کار دولت و وزارت نیرو قرار گرفته است. به هر حال، مدت زمان زیادی نیست که طرح رساندن آب به هفت استان هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، یزد، اصفهان و سیستان و بلوچستان وارد مرحله عملیاتی شده و برای اجرای این طرح‌ها حدود سه‌هزار و ۷۰۰ کیلومتر لوله گذاری خواهد شد که آب خلیج‌فارس و دریای عمان را به استان‌های تعیین شده، منتقل می‌کند.

چهار پروژه احداث خط لوله آب که از استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان آغاز می‌شود قرار اســـت در طول مسیر خود به سوی اســـتان‌های مرکزی و شرقی، علاوه‌بر توسعه صنایع گلخانه‌ای، آب مورد نیاز واحدهای صنعتی و معدنی بزرگ این استان‌ها را نیز تامین کند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت و به نقل از وزارت نیرو، طی سال‌های گذشته در بخش آب، پروژه‌های زیادی تعریف شده و زمانی که دولت شروع به کار کرد با حجم پروژه‌های نیمه کاره مواجه شده بود. از این مجموعه در شمار طرح‌های مختلف، تعدادی طرح به عنوان طرح‌های اولویت‌دار مشخص شد و طرح‌های انتقال آب نیز در این مجموعه قرار گرفت.

فاز نخست نخستین خط لوله انتقال آب در سال ۱۳۹۹ اجرا شد و قرار است سایر طرح‌های انتقال آب نیز به تدریج اجرا شـــده و بخش مهمی از آب مورد نیاز استان‌های کم‌آب شرقی و مرکزی کشور از طریق دریای عمان و خلیج‌فارس تامین شود.

با وجود عدم اتمام این طرح اما گزارش‌ها حاکی از آن است که مراحل لوله گذاری و انتقال ۵۵۰ میلیون متر مکعب آب در مسیر اجرائی خوبی قرار دارد که پس از دهه‌ها سوء مدیریت و مصرف بی‌رویه و نابهینه آب، می‌توانیم بگوییم سایه سنگین بی‌آبی می‌تواند در فلات ایران تا حدود زیادی برچیده شود. استفاده از تازه‌ترین فن‌آوری‌ها برای شیرین ساختن آب و پمپاژ آن از جنوب به شمال و لوله گذاری و... از ویژگی‌های قابل افتخار این طرح است که در فضای مجازی ذیل واژه‌ای به نام «ایران رود» دچار اســـتحاله معنایی و علمی می‌شـــود تا به نحوی خیلی ظریف این عملیات بزرگ دیده نشـــود. گذشته از بارش‌های اخیر و سیلاب‌های که در استان سیستان و بلوچستان شکل گرفته و زنده شدن بعضی دریاچه‌ها در این استان، اخباری نیز از احیاء نســـبی دریاچه ارومیه و رها ســـازی آب بعضی از سدها به دلیل حجم ورودی آنها به گوش می‌رسد که در سکوت خبری داخلی و حتی فضای مجازی به پیش می‌رود و صدای آنهائی که در خشکسالی فریاد وا اسفا در صفحات مجازی بلند می‌شد دیگر به گوش نمی‌رسد.

فارغ از آنکه «ایران رود» آیا یک طرح کارشناسی همه‌جانبه است یا نه! اما برجسته شدن این موضوع در اینســـتاگرام، آن هم با رویکـــرد کوچک‌نمایی اقدامات کنونی که در حال اجرا است جای یک پرسش بزرگ را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا این صفحات مجازی دست روی موضوع حیاتی مثل آب گذاشته‌اند؟

قطعا موضوع آب یک بحران برای کل جهان است و حتی کشورهای مثل روسیه و چین و امارات و سایر کشورها نیز با توجه به موضوعات تجاری به دنبال اجرائی شدن طرح «ایران رود» هستند که از جنوب، خلیج‌فارس را به شمال و دریای خزر پیوند می‌زند و می‌تواند منشاء تحولات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اقلیمی و گردشگری زیادی نیز باشد.

اما! چرا این طرح در کنار موضوعات دیگری مثل هزینه کرد برای صنایع نظامی در ایران گنجانده می‌شود و شبکه‌های خاص و صفحات خاص مجازی در گزارش‌های تطبیقی و قیاسی، تولید پهپاد را در کنار هزینه برای ایران رود قرار می‌دهند؟

چرا با ضریب بخشیدن به موضوع خشکسالی و تعمیم آن به تمام وجوه جامعه ایران، سایر موضوعات مثل تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی را متصل به تعبیری چون «سرمایه‌گذاری کوتاه فکرانه برای جنگ» می‌کنند؛ در حالی‌که از سوی دیگر جنگ افروزی را با سناریوهای موازی و با گفت‌وگو با کارشناسان پی می‌گیرند؟

ارائه الگوی عملکردی از عربستان در حوزه آبی و تطبیق فرآیند شیرین سازی آب در این کشـــور با گذر از ویژگی‌ها و نیازها و تفاوت‌ها، مســـیر ایجاد انحراف از اصل موضوعی است که فقط ج